

# پیوند عالی در مصر جدید

دکتر ابراهیم بیومی خانم  
ترجمه: حسین علینقیان

## چکیده:

مشکلات آموزش عالی در پروسه دگرگونی‌های سیاسی و اصلاحات اقتصادی و خواست‌های جامعه علمی در بیشتر کشورهای اسلامی روبه‌وخامت گذاشته است. این مشکلات همچنین تحت تأثیر تحولات تکنولوژیک، سیاست جهانی شدن و عدم تعادل نیروهای سنتی در سطح بین‌الملل، بحران‌زا شده است. پرسش اساسی که ما در پی پاسخ‌بدان هستیم این است که: چرا نقش و سهم نهاد وقف در حمایت از آموزش عالی در مصر جدید، به قهقرا گراییده است؟ و چگونه می‌توان نقش مؤثر وقف در حل مشکلاتی که آموزش عالی به طور کلی و آموزش دانشگاهی به طور خاص با آن مواجه است را احیا کرد؟

## کلید واژه‌ها:

وقف، آموزش عالی، مصر جدید، موقوفات دانشگاه قاهره.

ابعاد بحران آموزش عالی در مصر و دیگر کشورهای همسان با شرایط مصر، اهمیت پی جویی برای پاسخ یا پاسخ‌هایی غیر کلیشه‌ای به این پرسش که: چرا نقش و سهم نهاد وقف در حمایت از آموزش عالی در مصر جدید، به قهقرا گراییده را تأیید می‌نماید. این در حالیست که راهبردهای گذشته‌ای که در مدیریت و سرمایه‌گذاری آموزش عالی، تنها بر دولت تکیه می‌زد، در رسیدن به میزان معقولی از ظرفیت‌های جذبی برای کارگزاران آموزش عالی به ناکامی رسید چنان‌که در زمینه ارایه سبکی مطلوب از آموزش عالی با شکست روبرو شد. علی‌رغم کمیت زیاد دانشگاه‌های مصر (۱۳ دانشگاه دولتی، ۸ دانشگاه فرعی، ۶ دانشگاه خصوصی، جمعاً ۲۷ دانشگاه) و نیز تعداد زیاد دانشجویان این دانشگاه‌ها (۲/۵ میلیون دانشجو) باید گفت که قدرت کارگزاران آموزش عالی در جذب دانشجو همچنان پایین بوده است. زیرا آمار دانشجویان موجود مصر (در سنین ۱۸-۲۳ سال)

به‌طور شناور نسبت ۲۲٪ و ۳۰٪ را نشان می‌دهد در حالی که این نسبت در سطح جهانی ۵۰٪ می‌باشد. به لحاظ کیفی نیز دلایل زیادی به کاهش و افت مواد و مقررات آموزشی و شیوه‌های تدریس و پیوند دانشگاه با واقعیت‌ها و بازار کار، در زمانی که انتظار پیشرفت و ترقی می‌رود اشاره داشته‌اند. این افت و کاهش کیفی در زمینه لوازم و تجهیزات عملی و آموزشی از جمله کتابخانه‌های پیشرفته، آزمایشگاه‌های نوین، کارگاه‌ها، مراکز اسناد و اطلاعات و منابع سرمایه‌گذاری آموزش عالی در داخل و خارج مصر و کلیه ابزارهای دانش و مهارتی برای دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی مشاهده می‌شود... این ضعف به‌طور عمده ناشی از دو دلیل می‌باشد: یکی ناتوانی حکومت در ایجاد اعتماد بخشی‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به دلایل زیاد و نامعلوم از طرفی و عقب نشانیدن وقف در زمینه آموزش عالی و توقف مشارکت آن در این سرمایه‌گذاری از

سوی دیگر می‌باشد.

مشکل ناتوانی حکومت در تأمین مالی آموزش عالی در کشور مصر خلاصه نمی‌شود بلکه این مشکل، جهانی است. گزارش‌های بانک جهانی در خلال سیاست‌های پیشرفت و اصلاح اقتصادی درباره این معضل سخن گفته‌اند. این گزارش‌ها تأکید دارند که گشودن باب سرمایه‌گذاری ویژه در آموزش عالی راه برون رفت از این مشکل خواهد بود. اما در این مجال، رویکردهای دیگری شامل حکومتی و غیر حکومتی حل مشکل را در به‌کارگیری تمامی انواع مشارکت حکومتی و مردمی در کنار مشارکت بخش خصوصی در این زمینه می‌بیند. تمامی تحولات رایج در زمینه‌های مختلف پیشرفت و مشارکت‌های گوناگون می‌رساند که گزینه‌های یک‌جانبه در دوره‌های گذشته، بی‌فایده بوده است و تکیه یک‌جانبه به یکی از عناصر سه‌گانه «دولت، بازار، جامعه مدنی» بدون دیگری امکان‌پذیر نخواهد بود چه این عناصر هر یک نقشی مهم

و مؤثر را در چارچوب مشارکت‌های همه‌جانبه ایفای کنند. دولت، بازار و جامعه مدنی هر یک به دیگری، اتکاداشته و بی‌نیاز از هم نبوده‌اند...

با تأمل در جزر و مدهایی که مشارکت جامعه مدنی در آموزش عالی مصر به خود دیده، روشن می‌شود که عقب‌نشینی جامعه مدنی و عدم مشارکت آن در آموزش عالی یکی از نتایج تحول در پیوند جامعه با دولت بوده است. پیوندی که طی چند مرحله رخ داد که مرحله اول آن در پروسه انتقال از شیوه حکومت سنتی به مدرن از دوره محمدعلی پاشا حادث گردید در این دوره بار آموزش عالی که در حکومت قبلی بر دوش نیروهای مدنی (که بر پایه نظام اوقاف شکل یافته) بود به حکومت جدید واگذار شد و سهم اندکی نیز به مشارکت عناصر محلی اختصاص یافت اما این سهم نسبت به دوره قبل بسیار اندک بود. مرحله دوم تغییرات، مربوط است به انتقال از شیوه دولت لیبرالی به نظام سلطنتی که حاشیه آزادی‌های اقتصادی و سیاسی



جامعه مدنی را بر هم ریخت... و مرحله سوم این تحولات به اقتصاد بازار و تعدد احزاب مربوط می‌شود که در فرض خود بر این است که جامعه مدنی در آموزش عالی مشارکت فعال داشته، زمینه‌های پیشرفت و حمایت مالی آن را فراهم نماید. اما این فرض با گذشت بیش از ربع قرن از آغاز این تحولات، جامه عمل نپوشیده است. از میان منابع متعددی که در تأمین برنامه‌ها و طرح‌های عام المنفعه سهم داشته، نظام وقف است که مورد تحقیق ما به‌طور ویژه قرار می‌گیرد. بدین اعتبار که وقف منبعی مهم از منابع ذاتی‌ای بوده که با کارسازی مشارکت آن در پشتیبانی و تحول‌بخشی به آموزش عالی چنان که تحولات به وقوع پیوسته آموزش عالی مصدر پیوند جامعه با دولت را یاد کردیم بهره‌مندی از آن میسر می‌گردد. هم‌اکنون جوامع اروپایی و آمریکایی شاهد تحولات سهمگینی در بخش آموزش عالی به مدد مشارکت‌های جامعه مدنی از طریق مؤسسات خیریه

و انجمن‌هایی که در فراهم‌سازی منابع مالی بر نهادهای مشابه اوقاف اسلامی تکیه کرده، بوده است. دلایل تأکید و تمرکز ما بر نهاد وقف و ضرورت تجدیدنظر در مشارکت وقف در آموزش عالی و دیگر زمینه‌های جامعه بدین قرار هستند:

۱. وقف بدین لحاظ که منبعی ذاتی برای تأمین مالی بوده و دارای ویژگی استمرار و استقلال بوده از دیگر عناصر ممتاز می‌شود. هرگونه موفقیت و یا راهبرد اصلاحی و پیشبردی در این زمینه، از این ویژگی‌ها مستغنی نیستند. زیرا دست‌کم استقلال مالی دانشگاه‌ها یکی از ابعاد استقلال آنها به‌شمار می‌رود.

۲. وقف دارای میراثی تاریخی و عتیق در زمینه سطوح مختلف آموزشی بوده و بهره‌مندی از این میراث و گسترش و تحول آن متناسب با دستاوردهای عینی معاصر امکان‌پذیر است. استفاده از تجارب معاصر برخی از کشورهای اسلامی

## اول: معانی تاریخی و اجتماعی مفاهیم و اصطلاحات

### ۱. دانشگاه

مؤسسه اصلی آموزش قدیم و جدید عالی. مفهوم دانشگاه در اصطلاح امروزی عبارت است از مؤسسه‌ای عمومی برای آموزش عالی که در آن تمامی علوم نظری، عملی یا دست‌کم تعدادی از علوم مختلف در آن تدریس می‌شود و دانشجویانی از شهرها یا کشورهای مختلف به آن راه می‌یابند...<sup>۲</sup>

این مفهوم، طی مراحل طولانی تاریخی تغییراتی داشته است. همچنین میان پژوهشگران در آغازین مراحل شکل‌گیری دانشگاه‌ها در دنیا اختلاف نظر بوده که آیا در کشورهای مشرق عربی و اسلامی شکل یافته و یا در کشورهای غربی اروپایی؟

پاره‌ای براینند که دانشگاه‌ها در یونان باستان شکل گرفته از جمله مورخ آمریکایی Walden در کتابش (دانشگاه‌های یونان باستان). اما بیشتر

مانند ترکیه، ایران و مالزی به اضافه تجارب مدرن کشورهای اروپایی و آمریکایی مؤثر خواهد بود.

۳. در مصر چندین فراخوان برای تشکیل انجمنی بنیادین در راستای تأسیس دانشگاه جدید ملی ارایه شد که تا زمان نگارش این مقاله موفق به انجام نشده است. یکی از این فراخوان‌ها، دعوت برای تأسیس دانشگاه ملی مصر به مناسبت صدمین سال آغاز فراخوان تأسیس نخستین دانشگاه مصر (سال ۱۹۰۶م) بود که افتتاح آن به طور رسمی در ۱۹۰۸ به وقوع پیوست. در این پروژه، وقف یکی از مهم‌ترین منابع مالی آن دیده شده که تفصیل آن را در ادامه خواهم آورد. پروژه دیگر به نام وقف مصری‌عامر جروب بود که به منظور تأسیس دانشگاه ملی وقفی با مشارکت یکی از دانشگاه‌های آمریکایی در سال ۲۰۰۵م ارایه شد....

دانشمندان معاصر معتقدند که یونانیان باستان فاقد آکادمی‌های آموزشی مطابق با مفهوم متعارف آن از دانشگاه بوده‌اند...<sup>۳</sup>.

به نظر می‌رسد واژه دانشگاه از قرن سیزده میلادی در اروپا کاربرد یافت و در قرن هیجدهم به‌طور وسیع شایع شد. در بادی امر واژه «آکادمی عمومی» (Studium General)<sup>۴</sup> به کار می‌رفت. کلمه «عمومی» می‌رساند که این‌گونه آکادمی‌ها بر روی تمامی مسیحیان در اروپا باز بوده و مدارکی که در پایان رایه می‌دادند مجوزی برای تدریس در همان کشور یا دیگر کشورها به‌شمار می‌رفته است... .

در مورد کشورهای مشرق عربی و اسلامی، منابعی مانند کتاب «آکادمی‌های علوم عرب و اساتید آن» اثر وستفالد که در سال ۱۸۷۳ انتشار یافت و دیگر منابع معتبری همچون پژوهش جورج مقدسی تحت عنوان: «رعاة العلم ومؤسساته فی القرن الخامس الهجری»<sup>۵</sup> همگی اشاره دارند که ظهور دانشگاه‌ها در مشرق،

دست‌کم دو قرن زودتر از اروپا رخ داده است. برای نمونه جامع ازهر شریف که جوهر صقلی در سال ۹۷۰م تأسیس کرد به سرعت به مؤسسه‌ای جامع برای تدریس تمامی دانش‌ها و معارف تبدیل یافت.<sup>۶</sup> پس از آن مدرسه نظامیه در بغداد که آن را نظام الملک وزیر الب ارسلان سلجوقی در سال ۱۰۶۷م تأسیس نمود.<sup>۷</sup> علی‌رغم ارتباط ازهر و مدارس نظامیه با شخصیت‌های حکومتی باید گفت که تأمین مالی آنها در اساس بر درآمد موقوفات آنها استوار بوده است... .

باید گفت ارتباط دانشگاه‌ها از زمان تأسیس خود در شرق اسلامی و غرب اروپایی با جامعه بیشتر از دولت بوده و اوقاف و امور خیریه سهم زیادی از استقلال و آزادی اندیشه و پیشرفت همه‌جانبه را در آن داشته‌اند. در سایه دولت سنتی، تصور وجود آموزش بدون مؤسسه وقف و کمک‌های خیریه، ناممکن بود. اما با ظهور دولت جدید، آموزش در سطوح گوناگونش یکی از مهم‌ترین ابزار دولت در اجرای

اختلاط قومی و هویت مشترک به شمار می‌رفت لذا نهاد آموزش از دست جامعه مدنی خارج و به دولت واگذار شد که همواره بر مدیریت و تأمین هزینه‌های آن از بودجه عمومی اصرار داشته تا حق نظارت و سیطره بر آن را محفوظ بدارد. و این چیزی است که به‌طور واضح در مصر در خلال جریان تأسیس حکومت جدید از دوره محمدعلی پاشا محقق گردید.

## ۲. وقف:

وقف در اصطلاح شرعی آن صدقه جاری مستمری است که هدف از آن استمرار ثواب و قرب الهی از طریق مداومت در انفاق، نیکوکاری و خیرات و منافع عموم با انواع و زمینه‌های متفاوت آن است...

از گذر فعالیت‌های اجتماعی وقف و به فضل اجتهادات فقهی که این فعالیت‌ها را در طول تاریخ و در عرصه عالم اسلامی، همراهی و یاری می‌نمود، شخصیتی متمایز از نظام وقف تبلور یافت که در درون اجتماع اسلامی به

عنوان نظامی فرعی با ویژگی دوام و مرتبط با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، روان‌شناختی، اخلاقی و حتی ابداعی مطرح گردید. از این رو می‌توان نظام وقف را کثیر الارتباط با دیگر عناصر و ساختارهای اجتماعی دانست. نظامی که در درون خود، چند نقشی بوده و فقه الوقف به مفهوم کلی آن عبارت از ترجمان و شرح تفصیلی بخشی اساسی از مفهوم «سیاست مدنی» از دیدگاه اسلامی می‌باشد. دیدگاهی که «سیاست» را تدبیر امور معیشتی به‌منظور برآورد کردن مصالح دنیوی و در نتیجه رسیدن به رستگاری اخروی قلمداد می‌کند.

شناسنامه تاریخی اجتماعی نظام وقف اشاره دارد که این نظام، به مثابه ستونی استوار برای بنای مؤسسه‌های اجتماعی و پشتوانه‌ای مهم برای خدمات عمومی شامل زیارتی، آموزشی، درمانی، مددکاری اجتماعی، فعالیت‌های تفریحی، فرهنگی و نمادین بوده است. همین شناسنامه حکایت از آن دارد که نظام وقف، دارای جایگاهی



کاربرد و زیربنایی در ساختار تنظیمات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی بوده و تجلی نقش اساسی آن در همیاری جامعه و حکومت در «سازندگی مشترک» به وقوع پیوسته است.<sup>۸</sup> از این رو رویارویی جدی میان مردم و حکومت در تجربه کشورهای عربی اسلامی به شکلی که در جوامع اروپایی بوده، به انجام نرسیده است. از مهم ترین دستاوردهای فقه در بنای نظام وقف، پایه ریزی ستون های مؤثر آن از طریق نهادینه کردن اندیشه و ایده «صدقه جاری» و همچنین بیان احکام مربوط به اجرییات و برنامه های مشخص شده برای این ایده در بطن اجتماع بوده است... .

از مهم ترین نکاتی که در این زمینه وجود دارد وجود (تعادل و توازن تاریخی) میان موج گرایی نظری و عملی به جامعه مدنی و موج گرایی قابل توجه به نظام وقف و منظومه عمل داوطلبانه یا خیرخواهانه به ویژه در کشورهای عربی اسلامی بوده است... با وجود تعادل تاریخی میان این دو

موج<sup>۹</sup> و تمرکز نخبگان فکری فرهنگی و سیاسی جوامع ما در جامعه مدنی باید گفت این نخبگان در کشاکش موضوعات مدنی خیلی دیر به اهمیت نظام وقف و نقش آن در تأسیس شبکه ای وسیع و متنوع از مؤسسات و فعالیت های محلی در زمینه های مؤثر اجتماعی و حمایت عمومی از دولت، پی بردند. شاید دلیل اصلی این موضوع تفوق مفهومی از «جامعه مدنی» برگرفته از منبع معرفتی تاریخی غرب باشد که یکی از کاربردهای این مفهوم، آن را با «جامعه دینی» در تناقض قرار می دهد. از این رو ره یابی به این مفهوم منجر به غفلت از عناصر ارزشمند، بنیادین و اصیل این جامعه همچون مؤسسات وقفی و در رأس آن مؤسسات آموزشی در سطوح مختلف آن می شود... .

## دوم: نظام وقف و آموزش در دولت قدیم و جدید مصر

فرضیه اصلی در اینجا این است که پرداختن به آموزش با سطوح مختلف آن یکی از مسوولیت های جامعه - و



نه دولت قدیم - بوده است و حمایت مالی از امور آموزشی، با انجام اقدامات خصوصی و شخصی و اساساً از طریق نظام وقف به عمل می‌رسید. صیغه‌های وقف در طول تاریخ می‌رساند که بیشترین شرایط را برای استقرار مؤسسات آموزشی به‌طور مستمر و بدون تأثیرپذیری از بحران‌ها و دگرگونی‌های به‌وجود آمده با ویژگی استقلال در تحقیق و آزادی اندیشه، فراهم نموده است...

در سایه دولت قدیم، برخوردارهای آن چنانی میان دولت و دانشگاه به وجود نیامد.<sup>۱۰</sup> دولت حاکم تا آغاز عصر جدید وظیفه خود را در امور سیاسی و دفاعی منحصر می‌دانست و در چارچوب «دولت نگهبان» یا غیر مداخله‌گر به تدبیر امور می‌پرداخت.

اگر چنانچه به تاریخ مشارکت فعال جامعه محلی یا مدنی بازگردیم مشاهده می‌نماییم که آموزش بیشترین اهمیت را در جدول امور اوقاف حایز بوده است. مطالعات متعدد گذشته بر جایگاه پیشرفته‌ای که علوم طب، هندسه،

نجوم، فیزیک و جبر در حوزه تلاش مؤسسان وقف که در راستای ترقی علوم و جامعه در کنار دیگر علوم و ادبیات و فلسفه داشته تأکید ورزیده‌اند.

تجارب مشابه برای پی‌ریزی دولت جدید در کشورهای عربی و اسلامی که مصر از سال‌های آغازین قرن نوزدهم سبقت‌دار آن شد معلوم می‌دارد که راهبردهای تأسیس این دولت جدید خود را ملزم به بازگشتی دقیق به اوضاع نظام میراثی وقف و نقش‌ها و کارکردهای آن به‌ویژه در سایه حکومت سنتی می‌دانست. در مقدمه این کارکرد، نقش وقف در حمایت از آموزش و مؤسسات و مدارس عالی و مشابه آن موردنظر بود. در پرتو همین گرایش و براساس خواست‌های جدید، سه رویکرد در مورد وقف و مؤسسات آن به منصفه ظهور رسید:

رویکرد اول که هدفش پیوند مداوم با نظام وقف و صیانت از نقش آن در زمینه آموزش بود که همراه با پاره‌ای اصلاحات جزئی به منظور تأثیرگذاری و کاربرد بهتر آن بوده است.



رویکرد دوم: تعامل میان نیروهای اجتماعی و جریان‌های سیاسی بود که از پرتو آن قوانین ویژه گروه‌ها و مؤسسات محلی جدید و تعیین ارتباطات آن با اوقاف و خیریه و ارایه خدمات آموزشی در قالبی جدا از سیاق سنتی گذشته (مثل انجمن خیریه اسلامی (مصر)، وقف کنفرانس اسلامی مصر (۱۹۱۹) و انجمن مساعی مشکور مصر) ایجاد شد.

رویکرد سوم: که هدفش ساماندهی نظام وقف و گنجاندن میراث وقف در سیستم دولت و بروکراسی حکومتی بود. اوقافی که بخشی از آن برای آموزش عالی اختصاص یافته بود. این رویکرد جز در موارد اندکی مانند تونس که دو سال پس از استقلال خود به این وضعیت دست یافت شکل نگرفت. به گونه‌ای که ساختمان‌های متبوعه دانشگاه زیتونه و اوقاف مربوط به ساختمان متبوعه دانشگاه جدید ملی انتقال یافت و دست کم ۲۰/۰۰۰ سند، کتاب و نسخه موقوفه بر جامع زیتونه به کتابخانه ملی تونس منتقل شد.<sup>۱۱</sup>

در پایان این پروسه، دو رویکرد اول و دوم به صورت ممزوج، حاکم شد به طوری که پاره‌ای کوشش‌های اصلاح طلبانه جزئی برای محافظت از حمایت آموزشی از جامعه مدنی از طریق اوقاف تا حد امکان به انجام رسید. در کنار این کوشش‌ها، قوانین تازه‌ای برای فعالیت‌های اجتماعی وضع شد که سیمای مؤسسات و انجمن‌هایی را به سبک امروزی درآورده و قوانین دست و پاگیری که مانع از کمک‌های وقفی در حمایت از برنامه‌ها و طرح‌های اجتماعی می‌شد، رها گردید.

مشارکت جامعه در حوزه آموزش عالی همزمان با جریان شکل‌گیری دولت جدید، به تدریج به قهقرا گرایید. مصر در این حالت، مراحل ذیل را طی کرد:

الف) مرحله آغازین انتقال به دولت جدید، که عمده قرن نوزدهم را تا قبل از جنگ جهانی اول دربر گرفت. در این مرحله، حمایت وقف از آموزش عالی، به دانشگاه

ازهر رسید و برخی گروه‌های علمی اعزامی به خارج، به‌ویژه پس از شکل‌گیری انجمن‌ها در آغاز دهه آخر قرن نوزده، مورد حمایت مالی اوقاف قرار گرفتند. مهم‌ترین سهم اوقاف در این دوره در تأسیس دانشگاه مصر تجلی یافت که شرح آن خواهد آمد.

ب) مرحله لیبرالی از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۲، در این مرحله جامعه مدنی به‌طور کل پیشرفته شد اما نقش آن در آموزش عالی نسبت به قبل کم‌رنگ گردید.<sup>۱۲</sup> چرا که مرحله قبلی شاهد تأسیس دانشگاه مصر با مشارکت‌های مؤثری توسط نیروهای محلی بوده و استمرار آن را نظام وقف، ضمانت می‌نمود. اما در این دوره و در ۱۹۲۵ دانشگاه به حکومت، ضمیمه شد. قبلاً در تاریخ ۱۹۲۳/۱۲/۱۲ تمامی مایملک دانشگاه از منقول و غیر منقول براساس ضوابطی، به وزارت معارف واگذار شده بود. یکی از بارزترین این ضوابط آن بود که: «وزارت

معارف، برای احترام به شروط برخی از واقفان، پول نقد دانشگاه را که حدود چهل و شش هزار جنیه می‌شد صرف ساختمان‌سازی کند». <sup>۱۳</sup> پس از آن بودجه دانشگاه به بودجه دولت الحاق یافت و دولت ملزم به تأمین منابع مالی آن شد. از آن پس به بعد وقفیاتی که به سود دانشگاه و آموزش عالی تمام شود جز تعداد اندکی به وجود نیامد.

ج) مرحله انقلاب سوسیالیستی که در ژوئیه آغاز و تا حدود سال ۱۹۷۰ ادامه یافت. در این دوره، حرکت‌های محلی، تحلیل یافته و دولت برای ارایه خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی پیش‌گام شد. در این برهه شاهد سلسله‌ای از اقدامات برنامه‌ریزی شده با هدف ادغام تمامی فعالیت‌های جامعه مدنی و دستگاه‌های اجرایی آن در دولت و در چارچوب سیاست بسیج عمومی به‌منظور دست‌یابی به اهداف سوسیالیستی هستیم. اولین قربانی این تحول، نظام وقف بود<sup>۱۴</sup>



که نقش آن در میدان آموزش عالی پنهان گردید چنان که دیگر عوامل مشارکتی که برآمده از منابع دیگر مردمی بود محو شدند.

د) مرحله انتقال به نظام بازار و پلورالیزم سیاسی که با سیاست باز در نیمه دهه هفتاد آغاز و تاکنون به طور مستمر ادامه یافته است. در این مرحله چنین مقرر شده که نشاط و تحرک به مؤسسات غیرانتفاعی مدنی جهت تقویت و پیشرفت آموزش عالی بازگردد. اما موج کنونی در تأسیس دانشگاه‌های خصوصی سودده که دست‌اندرکاران آن از شرایط حاکم بر پروسه تحول به سوی اقتصاد بازار بهره جویند، بی‌اختیار و افسار گسیخته بوده است زیرا بخش‌های خصوصی، بازار آموزش را وسیع، اغواگر و سودده یافته و در نتیجه آن، پول‌ها در برنامه‌های آموزشی عالی از مردم گرفته می‌شد و به دست افراد می‌رسید در حالی که بخش‌های خصوصی، پیش از این پول را از افراد جلب می‌کرد و از

طریق همان طرح‌های آموزشی در کالبد اجتماع بازگشت و توزیع می‌نمود.

نتیجه آن که، ساختار دولت جدید مصر، تأثیراتی منفی در وظایف جامعه مدنی به‌ویژه در جنبه میراث نظام وقف به بار آورد و بیشترین تغییرات رخ داده، پیامد نگرش‌های کوتاه‌بینانه دولت جدید نسبت به آموزش و ضرورت سیطره کامل دولت بر این نهاد بوده است. تفکر بنیادین در تأسیس دولت جدید همانا تکیه بر مؤسسات و انجمن‌های جدید بوده بدون آن که کوششی جدی در پیوند آنها با نظام وقف صورت گیرد و بدون آن که خود نظام وقف و دیگر منابع سودده ذاتی، پیراسته گردیده؛ نقش آن در متن جامعه مدنی، آموزش و به‌ویژه آموزش عالی فعال گردد.

### **سوم: تحولات رخ داده در پیوند وقف با آموزش عالی (از استقلال تا رکود)**

ارتباط اوقاف با آموزش عالی همزمان با تحولات پدید آمده در

پیوند مردم با دولت و انتقال از شیوه کهن موروثی به شیوه نوین، با درجات گوناگونی دگرگون شد. قاعده ساری در پیوند وقف با آموزش این بود که هرگاه دولت جدید پیشرفتی می‌کرد و گامی به جلو می‌گذاشت، وقف در حمایت از آموزش چندین گام به عقب باز می‌گشت تا جایی که سرچشمه‌های آن خشکید و میراث و ماترک آن از حوزه باز اجتماع به درون بروکراسی

تنگ حکومتی انتقال یافت. در ادامه نگاهی تحلیلی به سیر این تحولات در دو قرن گذشته انداخته و آثار آن را در «جامع ازهر و دانشگاه آن» و «دانشگاه جدید مصر» جستجو می‌کنیم.

**۱. اوقاف دانشگاه جامع ازهر:**

تسلط محمدعلی پاشا بر اوقاف الازهر و قرار دادن آن در زیرمجموعه



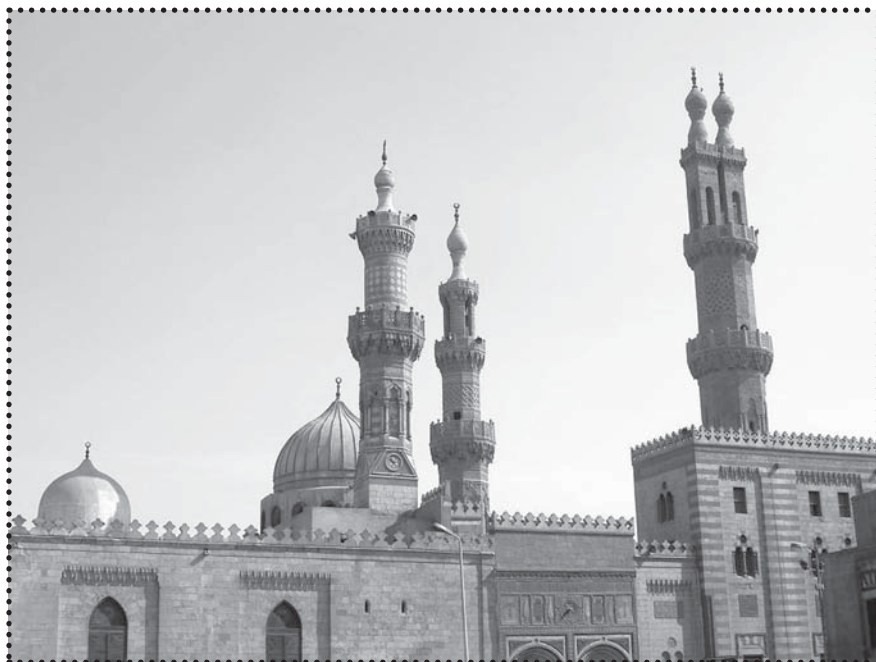
مسجد و مجموعه دانشگاهی الازهر قاهره

دولت، اولین گام دولت جدید مصر در تغییر مسیر پیوند اوقاف با ریشه‌دارترین مؤسسه آموزش عالی مصر یعنی ازهر شریف به‌شمار می‌آید. اقدامات محمدعلی، بخشی از سیاست عمومی او برای پوشش قرار دادن تمامی منابع دولت در راستای برنامه‌های تجددخواهانه‌اش بود. وی تلاش نمود تا تمامی اراضی مصر را در چارچوبه اقداماتش، ضبط نماید تا ریشه‌های نظام قدیمی را که ممالیک پایه‌گذارش بوده از بین ببرد. او تمامی خواسته‌هایش را در حالی محقق ساخت که تلاش علما در دفاع از استقلالیت ازهر و در محافظت از اوقاف آن و خارج کردن آن اوقاف از سیطره حکومت، ناکام مانده بود. محمدعلی پس از آن، سیاست تنگ‌نظری در هزینه‌کرد ازهر و علمای آن را در پیش گرفت حال آن‌که تمامی همت او صرف آموزش نوین و اعزام گروه‌های علمی به اروپا نه با هدف محور آموزش سنتی ازهر بلکه به قصد تسریع در طرح‌های تجددخواهانه در

بنای دولت جدید می‌شد... مردم در قبال سیاست محمدعلی پاشا، سیاست موازی دیگری که ضد سیاست او نبوده اتخاذ کرده که در نتیجه، بقای نظام وقف و عدم تماس و دخالت محمدعلی در اصل وجودی آن را در پی داشت. محور این سیاست، اهتمام و توجه به ازهر، نه فقط به عنوان مرکز سنتی آموزش و سمبل فرهنگ اصیل اسلامی بلکه به اعتبار نقش بزرگ آن در حفظ پیوند میان جامعه و دستگاه حاکم از جهتی و نقش بسیجی جهادی آن در مقابله با دشمنان بیرونی از جهت دیگر بود.

این نقش به‌طور واضح در هدایت مقاومت مردمی به هنگام حمله فرانسه سپس در خلال اشغال مصر توسط بریتانیا در سال ۱۸۸۲ و انقلاب مردمی در ۱۹۱۹ نمایان شد.

نمونه‌های بسیاری از اوقافی که در نیمه اول قرن نوزدهم تأسیس یافت وجود دارد.<sup>۱۵</sup> شاید اوقاف سید عمر مکرم که آن را در خلال سال‌های ۱۲۲۴-۱۲۳۵ هـ / ۱۸۰۹-۱۸۲۰ م به



مسجد الازهر



دانشگاه الازهر قاهره

وجود آورد بهترین نمونه برای درستی دلایل ما در این بحث باشد... .

در سال ۱۲۲۴هـ/ ۱۸۰۹م محمدعلی پس از آن که اراضی اوقافی را در پرداخت مالیات به حکومت هم‌رده دیگر اراضی قرار داده بود، به دمیاط تبعید شد. در همین سال عمر مکرم اقدام به تأسیس اولین موقوفه خود بر «دانشجویان جامع ازهر» نمود به شرط آن که سود آن به اولاد موقوفه (طبقه به طبقه و نسل اندر نسل) رسیده مادام که جزء دانشجویان جامع ازهر بوده و اگر انقراض یافتند: «سود موقوفه به دانشجویان اصیلی که در جوار جامع، در رواق فویه ساکن اند برسد.» و بعد از آن عاید «دانشیان ساکن در رواق مذکور» گردد.<sup>۱۶</sup>

در سال ۱۲۲۷هـ/ ۱۸۱۲م عمر مکرم تعدادی از زمین‌های خود در قاهره را وقف نموده، مشروط بر این که منافع آن: «بر فقهای سید فویه که در ازهر به‌طور جمعی یا فردی درس می‌خوانند به‌طور مساوی تا ابد هزینه شود»<sup>۱۷</sup>. در سال ۱۲۳۵هـ/ ۱۸۲۰م سه موقوفه از

میان دارایی‌های خود در قاهره و اسیوط را مقرر داشت و در آن شرط نمود که منافع آن برای دانشیان ازهر مصرف شود این وقف شامل «مجاوران رواق صعایده و رواق سادات فشنیه» بوده که خرید سالیانه ۵۰۰۱۶ نان و توزیع روزانه میان آنها و همچنین ۱۰۰۰ قرش رومی جهت «سادات مجاور در رواق صعایده» هزینه شود...<sup>۱۸</sup> در نتیجه این اقدامات، بیشترین اوقاف عمر مکرم، بر ازهر شریف و دانشمندان و دانشجویان آن وقف گردید. وی ضرب المثل و الگویی برای دیگر واقفان بر ازهر به‌ویژه ثروتمندان و توان‌گران شد.

خلاصه آن که بی‌توجهی محمدعلی به ازهر منجر به اقدام مردمی به تأسیس موقوفه‌هایی تازه برای ازهر شد و موقوفات عمر مکرم به عنوان رهبری مردمی و دارای نفوذ عمیق اجتماعی سنبلی برای این اقدام اجتماعی گردید. از آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم و همزمان با سیر تصاعدی ایجاد موقوفه‌های تازه، الازهر و به تبع آن مؤسسات دینی بیشترین بهره را از



عایدات این موقوفات بردند. همچنین ملاحظه می‌شود که وقف بر ازهر در این دوره به اوج خود رسید چنان که اوج وقف بر مکتب‌خانه‌ها را نیز شاهدیم. این دوره از ربع آخر قرن نوزدهم تا ربع اول قرن بیستم به طول انجامید.

آنچه جلب توجه می‌کند این است که واقفان موقوفه‌های جدید به نفع ازهر پس از مرگ محمدعلی، از اعضای خانواده او به‌ویژه از زنان بوده‌اند. ۱۹ از جمله دختر او امیره زینب که موقوفه بزرگی را در سال ۱۲۶۶ه/۱۸۶۰م مقرر نمود که شامل اراضی زراعی به مساحت ۱۰۲۹۹ فدان<sup>۲۰</sup> به مدیریت استان دقهلیه می‌شد و در وقفنامه مقرر گردید که عواید آن صرف کارهای متعدد خیریه از جمله «حقوق و هزینه نان علمای حنفی ازهر»<sup>۲۱</sup> شود که میزان آن ۳۳۵۳ جنیه براساس درآمدهای وقفی در سال ۱۹۴۰-۱۹۴۱ می‌شد. این مبلغ تا پایان دهه پنجاه میلادی تغییر زیادی نکرد اما در دهه شصت به ۷۶۳۱ جنیه رسید و در سال ۱۹۸۱ به ۱۷۰۰۰ و در سال

۱۹۹۰ به ۲۷۰۰۰ جنیه بالغ گردید.<sup>۲۲</sup> افزایش میزان اقبال به تأسیس موقوفات جدید در اثر صدور لایحه سعیدیه در سال ۱۸۵۸م باعث افزایش میزان بهره‌مندی ازهر از این عایدات گردید... همچنین ملاکان بزرگ نیز در موقوفات مقرر بر ازهر مشارکت کردند از جمله: تمامی موقوفات حسن پاشا سری، محمد پاشا سلطان، فریده هانم جرکس، احمد پاشا شریف، عائشه صدیقه ذهنی، احمد پاشا منشاوی، احمد پاشا بدرآوی، قطب بک قرشی و حاج موسی علی و بسیاری دیگر.

اما عموم مردم در اواخر قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم، به وقف اراضی کشاورزی بر ازهر پرداختند. یعنی زمانی که دایره دارایی‌های کشاورزی نسبتاً وسعت یافت. برای نمونه به موقوفه حاج عبده سلامه (مزارعی از راستای کوم النور از توابع دقهلیه) می‌توان اشاره کرد که آن را در سال ۱۳۰۸ه/۱۸۹۱م تأسیس و مساحت آن ۸۶ فدان و چهار سهم بود و از این مقدار عایدات ۵۵ فدان و ۱۲ قیراط و





دانشکده شریعت الازهر - قاهره

است. نسبت موقوفات عموم مردم ۶۶/۲٪ نسبت به آمار کلی موقوفات ازهر می‌باشد که براساس آمارهای رسمی مربوط به نیمه دوم قرن بیستم، ۹/۷٪ از کل درآمدهای ازهر را در سال تشکیل می‌داده است. برعکس این وضعیت را در تعداد موقوفه‌های وزرا و کارمندان بلندپایه دولت مشاهده می‌کنیم چرا که تعداد آن موقوفه‌ها فقط ۴٪ بوده و ۹٪ از کل سود سالیانه را به خود اختصاص داده بود. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که علی‌رغم

۴ سهم را برای «هفت استاد از دانشیان و مدرسان ازهر و مدرسان سادات شافعیه و مجاوران رواق ابن معمر و شیوخ رؤسای آن...» هزینه گردد. مابقی زمین‌های موقوفه نیز جهت فقرا و مساکین و دیگر خیرات مصرف شود...

با بررسی موقوفات هریک از گروه‌های مختلف اجتماعی بر ازهر به این نتیجه رسیدیم که موقوفات ملاکین بزرگ با بیشترین نسبت یعنی ۴۳٪ از درآمدهای اوقاف ازهر سهم داشته

پایین بودن نسبت تعداد موقوفات زنان (۲۹/۵٪) در مقایسه با تعداد موقوفات مردان (۷۰/۵٪)، نسبت سهم موقوفات زنان در کل درآمدهای سال، ۴۷/۷۵٪ بوده و این تقریباً برابر با نسبت سهم درآمد موقوفات مردان (۵۲/۲۵٪) می‌باشد...

حاصل بررسی حرکت وقف بر ازهر در خلال قرن نوزده تا حدود نیمه قرن بیستم آن است که دانشگاه ازهر به بزرگ‌ترین مؤسسه وقفی در مصر تبدیل شد و موقوفات آن دارای ویژگی «غلبه گرایش عدم تمرکز» در دو سطح بوده: یکی سطح تخصیص سود به بخش‌های مختلف ازهر و دوم، سطح مدیریت بر اعیان موقوفات. هر دو سطح توسط شیوخ ازهر یا وزارت اوقاف، یا دیوان پادشاهی اوقاف و یا افراد، اداره می‌شد. همچنین صاحب اصلی تعیین تخصیص سود در سطح اول و تعیین مدیریت آن در سطح دوم، همان مؤسس وقف یا واقف بوده است که شروط وقف را در وقفنامه تعیین می‌نمود...

نکته‌ای که جلب توجه می‌کند آن است که ویژگی عدم تمرکز و استقلال نظام وقف در تاریخ مصر جدید از میزان دخالت دولت در دو زمینه اجتماعی و اقتصادی بسیار تأثیرپذیر بوده است. هرگاه میزان دخالت و ورود دولت زیاد شد، دو جنبه: عدم تمرکز و استقلالیته نظام اوقاف کاهش یافت و بالعکس. از این روی گرایش دولت جدید مصر به سوی دولت مداخله‌گرانه کامل ضرورتاً به فرو انداختن استقلالیته سیاست مردمی اوقاف از جهتی و ضعف اجتماع در مواجهه با دولت از سوی دیگر منجر شده است. به‌ویژه آن که این مداخله همراه با گرایش شدید به تمرکز قدرت اداری و سیاسی به گونه‌ای که به‌طور کامل در انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ رخ داد، شد. که در پی آن جنبه عدم تمرکز اوقاف از میان رفته و در نظام سیاسی ادغام گردید و وزارت اوقاف به موجب قانون ۲۴۷ سال ۱۹۵۳ و اصلاحات بعدی آن، ناظر تمامی امور اوقاف و از جمله اوقاف ازهر گردید. ۲۳



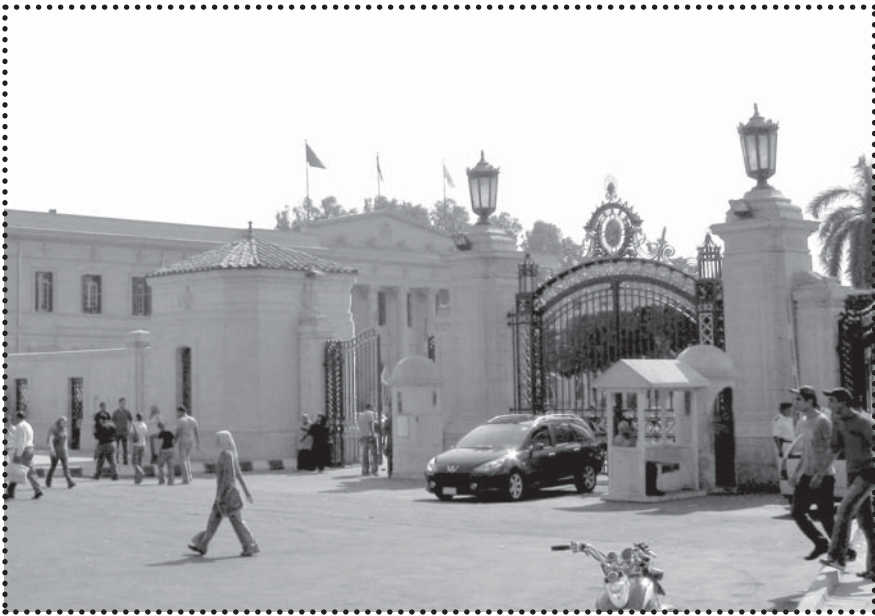
پس از ۱۹۲۵ تا سال ۱۹۵۲ م به ندرت شاهد وقفی جدید بر ازهر و دانشجویان و مدرسان آن هستیم... اما پس از ۱۹۵۲ نه تنها هیچ موقوفه جدیدی برای ازهر مقرر نگردید بلکه تمامی میراث موقوفه آن در اختیار و مدیریت دولت جدید قرار گرفت و زنجیری آهنین اطراف آن کشیده شد چنان که دانشگاه مصر از زمان استیلای حکومت آن در نیمه قرن بیستم بدان شرایط دچار گردید. از این روی در طول بیش از نیم قرن (۱۹۵۲-۲۰۱۱) هیچ موقوفه‌ای بر ازهر تأسیس نیافت مگر موقوفه مستشار محمد شوقی فنجری که حصه‌ای را برای پاره‌ای از دانشجویان ازهر وقف نمود.

## ۲. موقوفات دانشگاه قاهره

اندیشه تأسیس دانشگاه عالی از اواخر قرن نوزدهم در میان مصریان شکل گرفت. ۲۴ و این فکر در آغاز قرن بیستم جامه عمل پوشید. طرح تأسیس دانشگاه به نوبه خود در آن زمان، یکی از نشانه‌های بیداری

مردمی و اجتماعی در مخالفت با سیاست اشغال بریتانیا که مبتنی بر ممانعت از نشر آموزش و مخالفت صریح با تأسیس دانشگاه در مصر بود به شمار می‌رفت. برخی از ملاکین بزرگ هم متوجه تأسیس دانشگاه شدند در رأس آنها مصطفی بک کامل غمراوی (از اعیان بنی‌سویف و از خیرین معروف و موسسین موقوفات خیریه خود و خانواده‌اش) بود که پیشنهاد تأسیس دانشگاه را به‌طور رسمی در اکتبر ۱۹۰۶ ارایه و با پرداخت ۵۰۰ جنیه حق ثبت آن را گرفت. به دنبال آن جلسه‌ای در منزل سعد زغلول برگزار و حاضران با پرداخت مبلغ ۴۵۸۵ جنیه در تأسیس آن سهم شدند.

سهام‌داران در تاریخ ۱۹۰۸/۵/۲۰ برای بار دوم به ریاست امیر احمد فؤاد در دفتر اداره اوقاف جمع شده و نام (دانشگاه مصر) را انتخاب کردند. ۲۵ اداره اوقاف نیز مصوب نمود که سالیانه مبلغ ۵۰۰۰ جنیه به دانشگاه کمک کند حال آن که مصوبه دولت برای کمک



یکی از ورودی های دانشگاه قاهره

سالیانه فقط مبلغ ۲۰۰۰ جنیه بوده است. از آن پس کمک‌ها و موقوفه‌ها پی در پی ادامه داشت. آغاز آن، موقوفه مصطفی بک غمراوی و برخی از بزرگان خاندان محمدعلی پاشا و در رأس آنها خانم امیره فاطمه اسماعیل بود که زمینی در دقهلیه به مساحت ۷۶۴ فدان وقف نمود تا منافع آن جهت دانشگاه مصرف شود. همچنین زمینی به مساحت ۶ فدان در بولاق و معادل ۱۸ هزار جنیه جواهرات ویژه برای تأسیسات و ساختمان‌های دانشگاه

تقدیم کرد. در سال ۱۹۱۴ اراضی موقوفه دانشگاه به ۱۰۲۸ فدان رسید که درآمد سالیانه آن در آن برهه ۸ هزار جنیه می‌شد.<sup>۲۶</sup>

پس از آن تاریخ، ارزش موقوفات جامعه افزایش چندانی نداشت به‌ویژه بعد از تحویل آن به دانشگاه امیریه در ۱۹۲۵. دولت کمک‌های خود را از محل بودجه عمومی خود ارایه می‌داد و سیاست‌های آموزشی خود را بر آن تعیین می‌نمود. از نوع وقف نادری که پس از آن و قبل از ۱۹۵۲ به نفع دانشگاه

مصر مقرر گردید، وقف محمد توفیق نسیم (نخست وزیر) بود که در سال ۱۹۳۴ به وجود آمد که در آن شرط کرد که «سود یک فدان، صرف دانشجویان فارغ التحصیل ممتاز از دانشکده حقوق دانشگاه مصر» شود.

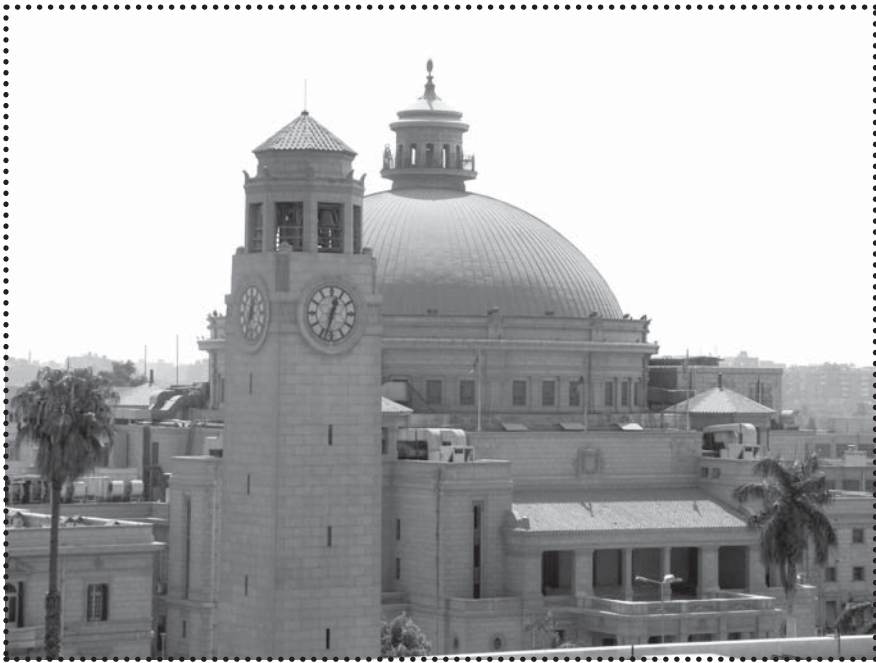
از پایان مرحله اصلاحات سوسیالیستی تاکنون صرفاً دو موقوفه بردانشگاه قاهره تأسیس شد؛ اول موقوفه دکتر محمد عبدالله حسن در سال ۱۹۷۶ برای دانشکده دارالعلوم (شامل زمینی به مساحت ۵ فدان و ۱۹ قیراط و ۱۹ سهم)<sup>۲۷</sup> و دوم موقوفه محمد شوقی فنجری است که بدان خواهیم پرداخت.

باید به تلاش دیگر مردمی در راستای کمک به دانشگاه قاهره در قالب مساعدت‌ها و ارایه جوایزی برای تشویق دانشجویان و ساخت بناهای دانشگاه اشاره کنیم. از جمله ساختمان عظیمی که خانواده دکتر عیوطی برای دانشکده بازرگانی و... تأسیس کردند. همه این کمک‌ها در دو دهه آخر قرن بیستم به انجام رسید.

## موقوفه مستشار فنجری بر دانشگاه‌های قاهره و ازهر

در سال ۱۹۹۱ مستشار فنجری شروع به واگذاری موقوفه‌ای به نفع دانشجویان دانشکده‌های حقوق، ادبیات، اطلاع‌رسانی و علوم دانشگاه قاهره نمود. موقوفه عبارت بود از برگ‌های سهام سرمایه‌گذاری بانک ملی (مجموعه ب) به قیمت کلی ۷۵۰/۰۰۰ (سه چهارم میلیون جنية) در سال ۲۰۰۳ براساس وقفنامه صادر شده در ژانویه ۲۰۰۳ توسط دفتر اسناد رسمی اهرام. براساس ابلاغیه بانک ملی این موقوفه، سالانه مبلغ ۹۵/۰۰۰ جنية سود داشته و معاف از مالیات می‌باشد.<sup>۲۸</sup>

در آغاز تأسیس این موقوفه، فنجری شرط کرده بود که سود حاصله به دو بخش تقسیم شود؛ بخش اول برای مساعدت به دانشجویان نیازمند در دانشکده‌های فوق‌الذکر به کار رود و بخش دوم شامل کمک هزینه تحصیلی دانشجویان برای اخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا از دانشکده‌های



گنبد و برج ساعت دانشگاه قاهره

حقوق شود. بخش اول این شرط با موفقیت به انجام رسید اما بخش دوم پس از حمایت مالی سه دانشجوی فوق لیسانس و سه دانشجوی دکترا متوقف گردید. به نظر می رسد شروط خاص واقف در موضوعات پایان نامه های مشمول کمک، دلیل اصلی این توقف بوده است.<sup>۲۹</sup>

سود حاصل از اوراق (۹۵/۰۰۰ جنیه) به قرار ذیل توزیع می گردد:

- \* دانشکده دارالعلوم ۳۰۰۰ جنیه در ماه؛
- \* دانشکده حقوق ۱۰۰۰ جنیه در ماه؛
- \* دانشکده اطلاع رسانی ۱۰۰۰ جنیه در ماه؛
- \* دانشکده ادبیات ۱۰۰۰ جنیه در ماه؛
- \* دانشکده علوم ۱۰۰۰ جنیه در ماه.

روند هزینه کرد سود این موقوفه برای دانشجویان در دانشکده های یاد شده

بر پایه اساسنامه‌ای که هیأت عالی امور وقف در ۱۹۹۶ به ریاست دکتر مفید شهاب (ریاست وقت دانشگاه) و با عضویت واقف، رؤسای دانشکده‌های مشمول، رئیس هیأت مدیره و مشاور حقوقی دانشگاه ترتیب داده ادامه دارد. مهم‌ترین بندهای این اساسنامه بدین قرارند:

۱. ضرورت اطلاع‌رسانی لازم (در مورد کمک‌های مالی مصوب) در تمامی دانشکده‌های مربوطه در آغاز و پایان هر ترم.

۲. یکسان‌سازی مساعدت‌های مالی برای تمامی دانشجویان بهره‌مند در پنج دانشکده یاد شده به گونه‌ای که ماهیانه ۲۵ جنیه برای هر دانشکده هزینه شود و سالانه ۲۸۰ دانشجو از آن بهره جویند. از این آمار تعداد ۱۲۰ نفر از دانشکده دارالعلوم و از هر چهار دانشکده دیگر ۴۰ دانشجو مشمول خدمات واقع شوند.

۳. مشمولین وقف در این دانشکده‌ها موظفند نسبت به اخذ تعهد اخلاقی از دانشجویان بهره‌مند، مبنی بر ارایه

کمک مالی به صندوق اجتماعی (رفاه) پس از فارغ التحصیلی و بهبود شرایط مالی برای کمک به دیگر دانشجویان نیازمند، اقدام نماید.

۴. رئیس دانشگاه به عنوان ناظر وقف موظف است دستور دهد که دانشجویان استفاده‌کننده از ترم‌های تابستانه از آغاز شروع ترم برای هزینه‌های پیش‌بینی نشده از کمک‌های مالی بهره‌مند شوند. مساعدت مالی در پایان ماه ژوئن هر سال برای دانشجویان سال چهارم به پایان می‌رسد.

۵. هر سه یا حداکثر پنج سال دانشکده اطلاع‌رسانی موظف است نسبت به اجرای نظرسنجی برای شناخت نظرات و پیشنهادات دانشجویان مشمول طرح، و به منظور بهینه‌سازی طرح و تحقق اهداف موقوفه، اقدام نماید.<sup>۳۰</sup>

آمار تعداد دانشجویان بهره‌مند از کمک‌های وقفی (موقوفه فنجری) در دانشگاه قاهره از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲





سال	دانشکده	حقوق	ادبیات	اطلاع‌رسانی	دارالعلوم	جمع کل
۱۹۹۳		۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	۷۰
۱۹۹۴		۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	۷۰
۱۹۹۵		۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	۷۰
۱۹۹۶		۴۰	۲۰	۴۰	۱۲۰	۲۲۰
۱۹۹۷		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
۱۹۹۸		۴۰	۲۰	۴۰	۱۲۰	۲۲۰
۱۹۹۹		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
۲۰۰۰		۴۰	۲۰	۴۰	۱۲۰	۲۲۰
۲۰۰۱		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
۲۰۰۲		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
جمع کل		۳۴۰	۲۹۰	۳۴۰	۹۰۰	۱۸۷۰

منبع: راهنمای موقوفه فنجری، ص ۴۱.

### نتیجه‌گیری

آنچه در پایان این مقاله برآیند این است که متولیان امور آموزشی عالی در مصر همواره از درک اهمیت وقف در حمایت و پشتیبانی و پیشرفت آموزش عالی و استقلال بخشی آن به دور بوده‌اند. بسیاری از دلایل بر لزوم فعال‌سازی و کاربست وقف به شیوه‌ها و اشکال نوین در مشارکت بر حل مشکلات و پیشبرد آموزش

عالی وجود دارند.

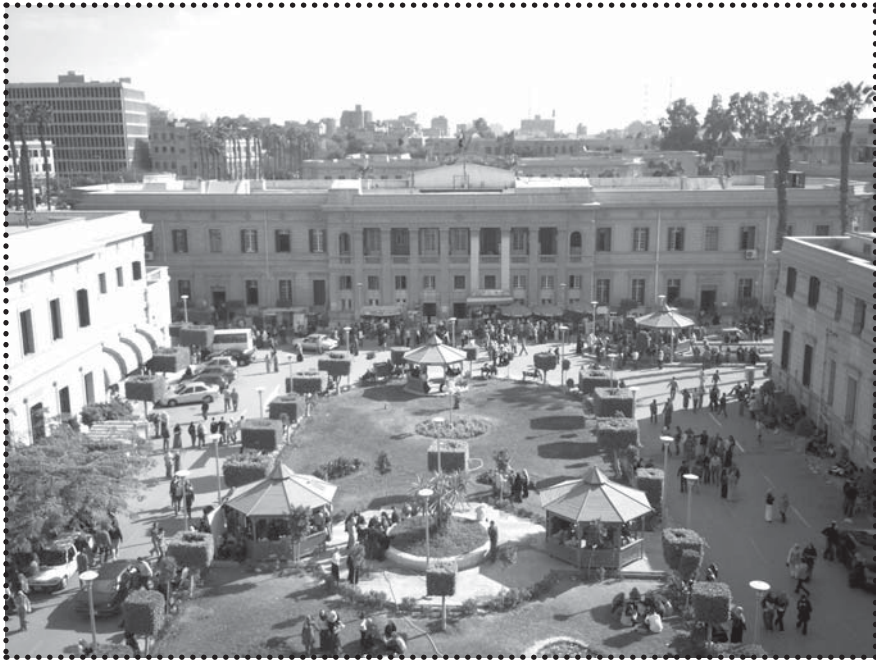
ارایه خدمات آموزشی تا مراحل تکمیلی آن یکی از مهم‌ترین وظایف جامعه مدنی از طریق نظام وقف در قالب شیوه سنتی دولت می‌باشد اما پروسه شکل‌گیری این خدمات در سایه دولت جدید به دلیل سیر قهقرایی آن به از بین بردن بسیاری از منابع خودجوش آموزشی و در طلیعه آن، نظام وقف منتهی شده است. مشارکت بخش خصوصی جامعه نیز در این زمینه، کورکورانه عمل کرده است. علاوه بر آن این مشارکت بر فلسفه بازار و نه اقتصاد اجتماعی که هدف سابقش شرکت در منافع عمومی بوده، بنا شده است.

شاید از مهم‌ترین دلایلی که تمرکز جامعه مدنی را از منظر اقتصاد اجتماعی بر بخش آموزش عالی ضرورت می‌بخشد، تجارب جهانی است مبنی بر این که سرمایه‌گذاری در دانش و معرفت، از طرفی یکی از مهم‌ترین ابزار موفقیت اجتماعی بوده و پیشرفت جامعه و حل مشکلات آن را از سوی

دیگر به دنبال خواهد داشت و مهم‌تر آن که تحول به سوی نظام بازار، توجه و اهتمام بیشتری را به عرصه آموزش از منظر رهیافت‌های جامعه‌شناختی مطالبه می‌کند.

اشاره می‌کنیم که در اینجا ضرورت ایجاد سازگاری و همبستگی فعال میان سه نیروی انسانی که در هر اجتماعی رخ می‌نماید وجود دارد: روح یا عاطفه، عقل و مصلحت‌اندیشی. سه نیرویی که روش‌ها و الگوهای مشابه آن در نظام اجتماعی با هدف تکریم برابرسازی‌های فرصت‌ها یا عدالت اجتماعی متولد می‌شوند. عدالتی که سرسازش و پیشرفت اجتماع بوده و ضمانت حقوق و وظایف اجرایی هر دولت و آزادی انتخاب در سطح بازار و محافظت از هویت و هستی ملی در سطوح اجتماعی و محلی به‌شمار می‌آید.

همچنین ما الگوی وقف و اهمیت کاربست آن را در زمینه آموزش از دو منظر تاریخی و معاصر بررسی‌شده و دوباره تأکید می‌کنیم که دلایلی محکم



فضای داخلی دانشگاه قاهره

اشاره می‌کند که این نظام پی در پی در درون خود واجد عوامل ماندگاری و امکان مدرنیزه شدن و فعال‌سازی به‌ویژه در زمینه آموزش است. این دلایل صرفاً در الگوی دانشگاه مصر یا نمونه وقف فنجری خلاصه نمی‌شود. زیرا هم‌اکنون تجارب مهم‌تر و موفق‌تر در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته با تکیه بر ویژگی‌های گوناگون اندیشه وقف یا همان Endowment & Trust آزموده شده‌اند. علاوه بر آن پاره‌ای از این تجارب در برخی کشورهای

اسلامی مانند: ترکیه، ایران و مالزی به مرحله اجرا گذاشته شده است. افزون بر آن همین دولت نسبت به تجمیع نیروها و همکاری‌ها برای ورود و مشارکت در عرصه‌هایی که قبلاً در انحصار خود آورده، پس از احساس سنگینی کار و عدم توانایی در مدیریت انفرادی آن، اقدام نمود. چون لغو بخش خصوصی بر کار عمومی و داوطلبانه، پیامدهای منفی به بار آورده و در شرایط کنونی عاقلانه و موردپسند نخواهد بود.

اعتباربخشی دوباره به نظام وقف و گشودن دست آن برای همکاری در زندگی مردم و پشتیبانی و پیشبرد آموزش عالی، ارزش دارد. زیرا این کار، مایه برپایی ستونی استوار و توانمند از امکانات ذاتی مردمی خواهد شد اما این سخن به معنای بازگرداندن دستاورد سنتی وقف به شیوه کلاسیک گذشته نخواهد بود. بلکه این موضوع، کوشش‌ها و اجتهادات نوین فقهی و نوآوری‌های تازه‌ای را در رویه برنامه‌ریزی، مدیریت و سرمایه‌گذاری و انجام اصلاحات مواد حقوقی که متضمن یک پارچه‌سازی فعالیت‌های وقفی و سوق و هدایت آنها در مجال آموزش عالی باشد، خواهان است.

دوباره کار عملی که شرایط رایج را هم ملحوظ بدارد می‌گوییم مطالعات نظام وقف که مبین میراث گذشته‌اش در زمینه آموزش عالی است، الگویی هدایتی را تشکیل می‌دهد که همراه با دیگر کوشش‌ها، در بنای جامعه حقیقی مدنی مشارکت می‌کند. سرآغاز و شروع به کار در میدان عمل مربوط به

محافل و انجمن‌های شهری و آکادمیک و نهادهای حکومتی زیربط بوده سپس طراحی الگویی برای آزمایش میدانی توسط یکی از دانشگاه‌ها قبل از انجام اصلاحات قانونی بر پاره‌ای از قوانین و در رأس آن قانون وقف، قانون احزاب و گروه‌های محلی و قانون دانشگاه‌ها ضروری است. قانون احزاب و گروه‌ها چارچوب موقتی برای مانند این آزمایش خواهد بود و این از طریق تشویق بر تشکیل انجمن‌های وقفی با هدف مشارکت در حل مشکلات آموزش عالی و کمک به پیشبرد کمی و کیفی آن و سپس مرحله تعمیم خواهد بود. این موضوع به تلاشی بسیار در تمامی زمینه‌ها نیازمند است.

## پی نوشت‌ها:

۱. این مقاله ترجمه ای است از: تحولات العلاقة بين الاوقاف والتعليم العالي في مصر الحديثه، الدكتور ابراهيم البيومي غانم، مجله اوقاف، العدد ۲۰ السنه الحادى عشره، مايو ۲۰۱۱م.
۲. كامل عياد، ماهى الجامعه؟ مجله الابحاث تصورها الجامعة الامريكىة فى بيروت السنه ۸، الجزء ۲، حزيران / يونيو ۱۹۵۵، ص ۱۸۲.
۳. همان، ص ۱۸۱.
۴. همان، ص ۱۸۳.
۵. جورج المقدسى، مؤسسات العلم الاسلامىة فى بغداد فى القرن الخامس الهجرى (الحادى عشر)، ترجمه احسان عباس، مجله الابحاث، السنه ۱۴، الجزء ۳، ايلول / سبتمبر ۱۹۶۱، ص ۲۸۶.
۶. وزارة الاوقاف وشئون الازهر، الازهر: تاريخه وتطوره (القاهرة: وزارة الاوقاف، ۱۳۸۳ هـ / ۱۹۶۴).
۷. فؤاد افرام البستاني، الجامعة فى العالم العربى: نشأتها وتطورها، مجله الابحاث، السنه ۸، الجزء ۲، حزيران / يونيو ۱۹۵۵، صص ۱۹۷-۱۹۹.
۸. ابراهيم البيومي غانم، الاوقاف والسياسة فى مصر (القاهرة: دار الشروق، ۱۹۹۸)، صص ۷۱-۷۳.
۹. برابى تفصيل پيرامون دو موج ياد شده ر.ك: ابراهى البيومي غانم، نحو تفعيل نظام الوقف فى توثيق علاقته المجتمع بالدوله، مجلة المستقبل العربى، بيروت، العدد ۲۶۶، ۲۰۰۱/۴، صص ۳۹-۴۰.
۱۰. مدارس نظاميه بهترين نمونه برابى نشان از ورود قدرت جهت پشتيابنى مالى دانشمندان است. برابى تفصيل ر.ك: البستاني، همان، ص ۱۹۹.
۱۱. عبدالوهاب بن حفيظ، نحو مقاربه مستقبله و جديده للوقف التعليمى: من ثقافة الاخذ الرىعى إلى الاقتصاد الاجتماعى، المجتمع التونسى نموذجاً (جستارى انتشار نايافته، ۲۰۰۱)، ص ۵۹.
۱۲. برابى آگاهى از جزييات وضعيت اوقاف مصر در خلال دوره مذکور نگر: غانم، الاوقاف والسياسة، همان، صص ۹۸-۱۰۹.
۱۳. جامعة القاهرة: نبذه تاريخيه، مقاله انتشار يافته در اينترنت: [www.Cu.edu.eg/Arabic/General/2520Info](http://www.Cu.edu.eg/Arabic/General/2520Info).
۱۴. غانم، الاوقاف والسياسة، همان، صص ۴۵۸-۴۹۹.
۱۵. پيرامون تأسيس مدارس جديد توسط محمدعلى و سياست كلى او در اين زمينه نگر: انور عبدالملك، نهضة مصر... م س ذ، صص ۱۵۵-۱۶۳؛ احمد عزت عبدالكريم، تاريخ التعليم فى عصر محمدعلى (القاهرة: ۱۹۳۸).
۱۶. نگر: «اشهاد بوقف السيد عمر مكرم نقيب الاشراف» مورخ فى ۱۱ جمادى الاول ۱۲۲۴هـ (ارشيف الشهر العقارى بالقاهرة: سجلات محكمة الباب العالى



- بمصر، مسلسله رقم ۳۴۱ ماده ۱۶۳، ص ۷۴.
۱۷. وقفنامه عمر مكرم، نوشته شده به تاریخ ۵ رجب ۱۲۲۷هـ در محکمه باب عالی (سجلات وزارة الاوقاف: سجل رقم ۱ / قدیم، مسلسله رقم ۳۴).
۱۸. وقفنامه اول در تاریخ آغاز ربیع الثانی ۱۲۳۵ در محکمه باب عالی نوشته شده و جزء اسناد وزارت اوقاف (شماره ۳ / اهلی ب) به ثبت رسیده و وقفنامه دوم در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۲۳۵، در همان جا نگارش یافته و جزء اسناد وزارت اوقاف (شماره ۳۵ / قدیم، مسلسله ۲۵۸۵) به ثبت رسیده است. وقفنامه سوم نیز در تاریخ ۱۵ شوال ۱۲۳۵ در همان جا نگارش یافته است. (شماره ۳۲ / قدیم، مسلسله ۱۸۳۷).
۱۹. شش تن از این زنان را شناسایی کردم شامل: بمباقدن، شیوه نازهانم، جمیه هانم، البرنسیه، فاطمه، فاطمه برلنتی از سادات خانواده.
۲۰. یک فدان تقریباً معادل ۴۲۰۰ مترمربع است. (مترجم)
۲۱. وقفنامه زینب هانم، کریمه محمدعلی پاشا به تاریخ ۲۴ شوال ۱۲۷۷هـ در محکمه قانونی مصر تحریر یافته (سجلات وزارة الاوقاف: سجل رقم ۴ / قدیم، مسلسله رقم ۲۹۲).
۲۲. پیوست بودجه دانشگاه ازهر سال ۱۹۴۰/۱۹۴۱ (دارالوثائق القومیه بالقاهره: محافظ الازهر الشریف، محفظة رقم ۴۵).
۲۳. متن قانون و اصلاحات آن را در: قوانین الوقف والقوانين المتعلقة بها، م س ذ، ص ۹۴ و ۹۷ ملاحظه فرمایید...).
۲۴. دونالدرید، جامعه القاهرة والمستشرقون، مجلة الثقافة العالمیه (الکویت: العدد ۳۸، السنة السابعة ۱۹۸۸) صص ۸-۹؛ تاریخ انشاء الجامعه المصریه، مجلة الهلال، الجزء الثامن، السنة ۲۲، ۱/۵/۱۹۱۴، ص ۵۶۴.
۲۵. احمد لطفی سید در خاطراتش آورده که نام دانشگاه مصر را در آن جلسه بر آن نهادند ر.ک: احمد لطفی السید، قصه حیاتی (القاهره: دارالهلال ۱۹۹۲) صص ۱۹۱-۱۹۲.
۲۶. غانم، همان، ص ۲۶۴.
۲۷. همان، ص ۲۷۰.
۲۸. دلیل وقفیه المستشار الدكتور محمد شوقی الفنجری خلال احدى عشرة سنة ۱۹۹۱-۲۰۰۲، لصالح طلبه جامعه القاهرة (ب. ت ب. ن)، صص ۲۸-۳۴.
۲۹. برای تفصیل پیرامون تجربه حمایت از دانشجویان تحصیلات تکمیلی توسط موقوفه فنجری ر.ک: غانم، همان، صص ۲۷۱-۲۷۳.
۳۰. دلیل وقفیه الفنجری، صص ۳۲-۳۴.